برای توسعهٔ مشارکتی آمـــــــاده هستیم؟

مقدمه

توسعه فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی تمام مردم است. یک بخش مهم از توسعه به ایجاد شرایطی که عزت نفس مردم را رشد دهد وابسته است(معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ۱۳۹۳: ۱۴). برنامه‌های توسعه باید در پی تحقق چنین هدفی باشند. ابزارهای مختلفی برای توسعه وجود دارد. اما رویکردهای جدید به توسعه، متکی بر مشارکت عمومی مردم است. تأکید بر این است که توسعه از طریق مشارکت حاصل می‌شود(Noori ۲۰۲۲: ۷۵). اما دولتی که بخواهد مشارکت مردم را جلب کند لازم است آرایش و سازماندهی مناسب این وضعیت را داشته باشد.

منسجم‌ترین و قوی‌ترین ساختارهای دولت به ترتیب متعلق است به فنلاند، نروژ، ایسلند، نیوزلند، دانمارک و سوئیس*.



دکتر محسن ردادی

کارشناس دفتر
مطالعات اجتماعی
مرکز پژوهش های
مجلس شورای اسلامی

*. https://fragilestatesindex.org/wp-content/uploads/۲۰۲۲/۰۷/۲۲-FSI-Report-Final.pdf

همین کشورها در رأس کشورهای دنیا از نظر اقدامات داوطلبانه هستند(Rothstein ۲۰۱۱: ۱۴۶). بنابراین در کشوری که دولتی قوی‌تر دارد، مشارکت مردمی هم بیشتر است. دولتی که بتواند قابلیت جلب مشارکت مردمی را در خود ایجاد کند، می‌تواند مسیر توسعه و پیشرفت را سریع‌تر و کامل‌تر طی کند.

تجربه نشان داده بدون مشارکت مردمی، فرایندهای توسعه شکست می‌خورند. مثلاً در تمام برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی فسادستیزی مورد توجه بوده است. اما این کار از طریق افزایش نظارت و نه از طریق شفافیت پیگیری می‌شد. به واژه‌های شفافیت و فساد در کل برنامه‌های اول تا ششم کمتر از ۱۰ بار اشاره شده است. پاسخگویی در کل برنامه‌های اول تا ششم مجوعاً ۱۵بار بیان شده است. اما واژهٔ نظارت در تمام برنامه‌ها زیاد تکرار شده و در برنامهٔ ششم بیش از ۵۰بار آمده است(مصطفوی ۱۳۹۶: ۱۰۰-۱۰۱). این یعنی نظارت، بدون اتکا به مشارکت عمومی دنبال می‌شد. اگر بپذیریم که علیرغم تأکید بر نظارت، نتوانستیم فساد را کنترل کنیم، آنگاه متوجه می‌شویم که فسادستیزیِ غیرمشارکتی به وضوح شکست خورده است. قابل توجه است که رتبه ایران در ادراک فساد* در سال ۲۰۲۱ در میان ۱۸۰ کشور، ۱۵۰ بود(Transparency International ۲۰۲۱). اگر شفافیت و پاسخگویی به دولت تکلیف می‌شد، قاعدتاً ادراک عمومی فساد در کشور این میزان زیاد نبود. در توسعهٔ مشارکتی، پاسخگویی سریع و مؤثر به اولویت های افکار عمومی، ریشه‌کن کردن روال‌های فسادآور، و صیانت از آزادی‌های اجتماعی اهمیت دارد(MISHLER and ROSE ۲۰۰۱: ۵۶).

*. Corruption Perception

ویژگی‌های دولت مجریِ توسعهٔ مشارکت‌محور

برای توسعهٔ مشارکت‌محور، لازم است زمینهٔ اجتماعی مناسبی فراهم شود که در این بستر شهروندان بتوانند با یکدیگر همکاری کنند:

۱. قابلیت اعتماد

قدم اول برای همکاری و مشارکت شهروندان، اعتماد داشتن به یکدیگر و به دولت است. اعتماد یک مفهومِ شناختی است و به «احساس» مردم بازمی‌گردد(Han ۲۰۱۶: ۱۳۱۶). دولتی که مورد اعتماد مردم نباشد نمی‌تواند مشارکت آنان را جلب کند.

۲. مولّد انبوه اطلاعات

داده‌ها و آمار کافی نیاز است تا شهروندان زمینه‌های مشترک همکاری را بیابند و با اطمینان کافی اقدام به مشارکت نمایند. دولت باید به صورت مداوم اطلاعات و داده‌های فراوان تولید کند و آنها را شفاف در اختیار مردم قرار دهد.

۳. سازمان‌دهنده

مشارکت، اقدامی جمعی است و لازم است تک‌تک افراد جامعه با یکدیگر مرتبط شوند و به این وسیله تشریک مساعی کنند. به این منظور لازم است دولت ساختارهای مناسبی را در جامعه تدارک ببیند تا افراد را به یکدیگر مرتبط کند. مؤسسه‌ها، تعداد سازمان‌های مدنی، انجمن‌ها، گروه‌های مردم‌نهاد و... (Stanzani ۲۰۱۵: ۱۳۱-۳۲).

۴. آگاهی‌بخش

همکاری و همراهی مردم برای مشارکت نیاز به آگاهی و آموزش دارد. لازم است دولتی قوی و آگاه مردم را به بهترین شکل آموزش دهد تا مردم همکاری با یکدیگر را یاد بگیرند و از این مسیر بتوانند توسعه را پیش ببرند.

۵. دارای اعتمادبه‌نفس:

بدون وجود اراده و تصمیم جدی برای همکاری و مشارکت، هرگز شاهد شکل‌گیری توسعهٔ مشارکت‌محور نخواهیم بود. دولت باید اعتماد به نفس و ارادهٔ کافی داشته باشد که از مشارکت ملی بهره‌مند شود. دولتی که از مردم بترسد و یا نگران عواقب پیش‌بینی‌نشدهٔ مشارکت و حضور مردم باشد هرگز به سوی مشارکت توسعه‌محور گام برنمی‌دارد.

اما ساختار دولت باید به گونه‌ای بازسازی و بازآرایی شود که این پنج ویژگی را در دولت ایجاد کند. بدون وجود دولتی قوی و مناسب مشارکت، توسعهٔ مشارکت‌محور شکست می‌خورد. دولت افغانستان، یکی از دولت‌هایی بود که به دلیل ضعف و مشارکت‌پذیر نبودن نتوانست برنامهٔ توسعه را پیش ببرد. بر اساس توصیهٔ بانک جهانی، در افغانستان برنامهٔ همبستگی ملی* برای کاهش فقر اجرا شد. این برنامه شبکه‌های ارتباطی میان مردم را تقویت می‌کرد و قرار بود از این طریق روند توسعه سرعت بگیرد. اما دولت افغانستان نتوانست با شبکه‌های محلی و سنتی که متشکل از افراد معتبر و محترم هر منطقه بودند، سازگار شود . به همین دلیل در ایجاد شبکه‌های ارتباطی مستقل شکست خورد(Noori ۲۰۲۲: ۷۷) و توسعه در افغانستان طبق برنامه پیش نرفت.

*. National Solidarity Program: NSP

مقایسه برنامه‌های توسعه

اولین برنامهٔ توسعهٔ اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ نوشته شد. به صورت کلی در قانون برنامهٔ اول تمرکز بر موضوع‌های اقتصادی بود و احکام آن به گونه‌ای تنظیم شده بود که دولت بدون مشارکت مردم برنامهٔ توسعه را پیش ببرد. حتی اگر جایی کلمه «مشارکت» به کار رفته بود به معنای دریافت پول از مردم است(تبصره ۸، ۲-۲ ، ۳-۱۵، ۳-۱-۴ قانون اول توسعه ۱۳۶۸).

برنامهٔ دوم توسعه نیز همانند برنامهٔ اول توسعه ماهیتی اقتصادی دارد. چه‌بسا احکام این قانون بیش از برنامهٔ اول اقتصادی است. در این برنامه نیز اگر جایی مشارکت به کار رفته، بیشتر معنای اقتصادی دارد(تبصرهٔ ۷، تبصرهٔ ۷۶، بند۱۳از قسمت ۶ از بخش دوم قانون دوم توسعه ۱۳۷۳). معمولاً همکاری و مشارکت جنبهٔ «دگریاری» و کار گروهی دارد. اما در این قانون حتی همکاری و مشارکت با عنوان «خودیاری» پیوند خورده و معنای آن این است که برای طرح‌های عمرانی از مردم پول دریافت شود(تبصره ۷ قانون دوم توسعه ۱۳۷۳). مشخص است که دولت بنایی برای بهره‌گیری از مشارکت مردم در توسعه ندارد.

در قانون برنامهٔ دوم توسعه، جلب رضایت مردم و ارباب رجوع جزو اهداف مصرّح در متن نیست. این بی‌توجهی به جلب رضایت عمومی در سال‌های بعد اثر خود را نشان داد. بر اساس گزارش توسعهٔ انسانی سازمان ملل، نمرهٔ شاخص رضایت کلی ایرانیان، ۴۸ درصد بوده است(سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ۱۳۹۴: ۴۱۱). سخن این است که دولت وقت، می‌خواست توسعه را بدون حضور و حتی رضایت مردم پیش ببرد.

در قانون برنامهٔ دوم ۳۵ بار کلمهٔ نظارت تکرار شده و مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری مجموعاً ۷ بار تکرار شده و این نشان می‌دهد که

■ سید محمد خاتمی در مجلس شورای اسلامی (ارائه دهنده برنامه های سوم و چهارم توسعه)



سیاست‌گذاران به واگذاری امور به مردم اعتقادی نداشتند؛ بلکه به نظارت و پایش مداوم می‌اندیشیدند.
نگاه اقتصادزده در برنامهٔ سوم توسعه ادامه پیدا کرد. در متن قانون، مشارکت عمومی به صورت کلی و بدون پرداختن به جزئیات و ابزارها، در موضوع واگذاری سهام‌ها اشاره شده است(ماده ۱۰ قانون سوم توسعه ۱۳۷۹).
برنامهٔ چهارم توسعه، با مشارکت مردمی بیشتر سرسازگاری دارد. در فصل هشتم قانون برنامهٔ چهارم (ارتقاء امنیت انسانی و عدالت اجتماعی) ذیل بخش سوم (توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی) تصریح شده بود که برای ارتقای سرمایهٔ اجتماعی اقدامات زیر در سال اول این موارد پیگیری شود: سنجش و ارزیابی سرمایهٔ اجتماعی؛ گزارش سالانه از عوامل تأثیرگذار بر سرمایهٔ اجتماعی؛ توجه به مؤلفه‌ها از قبیل اعتماد انسجام قانون‌گرایی و وجدان اجتماعی؛ ارزیابی سالانهٔ رضایت عمومی و بررسی تغییرات آن در نتیجه عملکرد عمومی حاکمیت؛ تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم و نهادهای غیر دولتی؛ زمینه‌سازی گسترش کیفی و کمّی نهادهای مدنی. (ماده ۹۸ قانون چهارم توسعه ۱۳۸۳) پرداختن و برجسته کردن این ابزارها و مؤلفه‌ها برای تقویت سرمایهٔ اجتماعی مهم بود.
برجسته شدن سرمایهٔ اجتماعی در برنامهٔ چهارم می‌توانست زمینهٔ مشارکت بیشتر مردم را فراهم کند. زیرا سرمایهٔ اجتماعی ساختار دولتی را آمادهٔ پذیرش مشارکت مردم می‌کند.
برنامهٔ پنجم توسعه به شفاف‌سازی و توزیع اطلاعات توجه داشت(ماده ۵۴ قانون پنجم توسعه ۱۳۸۹). همچنین نقش و جایگاه مناسبی برای سازمان‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته شده

است(مادۀ ۱۰۲ و مادۀ ۲۱۱ و مادۀ ۲۳۰ قانون پنجم توسعه ۱۳۸۹). این ابزارها راه را برای مشارکت توسعه‌محور باز می‌کند.

در برنامۀ ششم نسبت به برنامۀ قبل، شفافیت و مشارکت بیشتر مورد تأکید قرار گرفت. کلمۀ مشارکت ۴۷ بار در قانون برنامۀ ششم توسعه تکرار شده است. همچنین برای شفافیت‌زایی، راه‌اندازی مؤسسات رتبه‌بندی در حوزه بازار سرمایه، راه‌اندازی سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، الزام تمامی دستگاههای اجرایی به افتتاح حسابهای بانکی نزد بانک مرکزی و انجام عملیات‌ها صرفاً از از طریق خزانه‌داری کل کشور، الزام بانک مرکزی به استقرار سامانه‌های نظارتی برخط به‌منظورِ نظارت مستمر بر نظام بانکی، الزام دولت به راه‌اندازی سامانه ثبت حقوق و مزایا و...، در نظر گرفته شده بود (دفتر مطالعات اقتصادی ۱۳۹۶: ۶). این شفافیت می‌توانست داده‌های مناسبی در اختیار مردم قرار دهد تا بر عملکرد دولت نظارت کنند و به این ترتیب در حکمرانی مشارکت داشته باشند.

علیرغم همۀ این موارد، برنامۀ توسعه، مردم‌محور نبود. یعنی همچنان مدار توسعه گرد دولت می‌چرخید. ساختارهای دولت متناسب با مشارکت مردم بازسازی و تنظیم نشده بودند و فقط بخش‌های محدودی از دولت بر مردم گشوده بود. مردم در فرایند توسعه نقش‌آفرین نبودند. در جدول زیر بخش‌هایی از قانون برنامۀ ششم که ظرفیت استفاده از مشارکت مردمی وجود داشت ولی مورد توجه سیاست‌گذاران قرار نگرفته بود بیان شده است:

ماده	موضوع
۳ و ۴	رشد اقتصادی ۸ درصدی
۲۷	پدافند غیرعامل
۴۱	پدافند غیرعامل در حوزه تأسیسات هسته‌ای
۷۴	پدافند غیرعامل در حوزه سلامت
۱۰۶	پدافند غیرعامل در حوزه نظامی
۱۰۹	پدافند غیرعامل در حوزه رایانیکی
۱۰۲	حمایت از خانواده و جلوگیری از فعالیت مخرب رسانه‌ها
۱۰۷	جنگ نرم از منظر فضای مجازی و رایانیکی
۸ و ۱۸ و ۲۵	نظارت بر نظام بانکی
۱۹	گسترش تعاونی به منظور ارتقای مشارکت و همکاری مردمی از طریق افزایش سرمایه بانک توسعه تعاون
۲۲	بهبود محیط کسب و کار از طریق شفافیت
۲۷	الزام‌های اقتصاد مقاومتی
۳۵	مقابله با کم‌آبی
۹۸ و ۱۰۰	حفظ میراث فرهنگی
۱۰۵	جلب مشارکت ایرانیان خارج از کشور

توضیح
غفلت از جلب مشارکت مردم برای رسیدن به رشد ۸ درصدی.
غفلت از نقش مهم مشارکت مردم در پدافند غیرعامل. شهروندان، بزرگترین سد و مهمترین لایهٔ دفاعی در برابر تهاجم‌های دشمن به‌شمار می‌روند. اما در این برنامه توجهی به نقش مردم نشده است.
غفلت از نقش مهم مشارکت مردم در جنگ نرم
در کنار نظارت دولتی، اگر شفافیت هم مورد تأکید قرار می‌گرفت، امکان نظارت مردمی نیز فراهم می‌شد
سیاست‌گذار، تعاونی را موضوعی اقتصادی دیده واز جنبهٔ اجتماعی آن غافل بوده است. در حالی که اگر زمینهٔ لازم برای افزایش همکاری مردم و مشارکت دیده می‌شد، احتمالاً به هدف ۲۵ درصد سهم تعاونی در اقتصاد کشور(ماده ۲۴ قانون ششم توسعه ۱۳۹۶) نزدیک می‌شدیم.
غفلت از اثر مشارکت مردمی در بهبود محیط کسب و کار
غفلت از نقش مشارکت مردم در موفقیت اقتصاد مقاومتی
غلبه نگاه فنی و غفلت از نقش مشارکت مردم در مدیریت آب. در نتیجه در سال‌های اخیر نشانه‌هایی از منازعه‌های آبی در کشور به چشم می‌خورد
غفلت از مشارکت مردمی و گروه‌های مردم نهاد در حفظ و حراست از میراث فرهنگی
تفوق نگاه اقتصادی در مشارکت ایرانیان خارج از کشور. مشارکت ایرانیان خارج از کشور فقط در سرمایه‌گذاری دیده شده است. در حالی که ظرفیت مشارکت این دسته از هموطنان بسیار بیشتر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

وقتی اولین برنامهٔ توسعه نوشته شد، دقیقاً متناسب با نیازهای دولت سازندگی بود. دولت سازندگی، با ایجاد طبقهٔ تکنوکرات‌ها و مدیران حرفه‌ای، سیاست‌گذاری را به انحصار این متخصصان دولتی درآورد. از آن زمان به بعد، مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذاری محدودتری پیدا کرد. برنامه‌های توسعه نیز همین مسیر را دنبال می‌کنند. برنامه‌های توسعه، تاکنون متناسب با دولتی «تمامیت‌خواه» بوده است. دولتی که صلاحیت مردم برای حضور در فرایند توسعه را نپذیرفته است و خود ادارهٔ امور را در دست دارد.

اما به نظر می‌رسد که این نگاه باید تغییر کند. از یک‌سو، رویکردهای جدید در توسعه، واگذاری نقش و تأثیر بیشتر به مردم را توصیه می‌کند و از سوی دیگر، اصول انقلاب اسلامی با این نوع توسعه سازگاری بیشتری دارد. چه‌بسا ناکامی در اجرای برنامه‌های توسعه، دور شدن از اصل مردم‌محوری در ادارهٔ امور باشد. بر این اساس باید برنامه‌ای نوشت که نقش اساسی و محوری برای مردم در فرایند توسعه در نظر گرفته باشد و متناسب با این برنامه، نظام حکمرانی، دولتی قوی و مشارکت‌جو را بازآرایی کند.

در توسعهٔ مشارکت‌محور، انجمن‌ها، گروه‌های مردم‌نهاد، گروه‌های جهادی و سایر گروه‌های غیردولتی، نقش مهمی در سیاست‌گذاری، اجرای سیاست‌ها و نظارت خواهند داشت. حاکمیت دولت در این ساختار جدید، قوی‌تر می‌شود اما مسئولیت و ادارهٔ برخی حوزه‌های سیاسی‌اجتماعی را به این گروه‌ها واگذار می‌کند. در این زمینه چند راهبرد پیشنهاد می‌شود:

۱. تدوین مشارکتی برنامهٔ توسعه

در اولین قدم مناسب است که در تدوین برنامهٔ هفتم از عموم صاحب‌نظران و گروه‌های مردمی استفاده کرد.

۲. شکستن انحصار دولت در اطلاعات و داده‌ها

یکی از موانع حضور گروه‌های غیردولتی در سیاست‌گذاری و اجرا، بی‌خبری و کمبود داده‌هاست. به این منظور مناسب است که شفافیت به صورت جدی از سوی دولت پیگیری شود و مجلس شورای اسلامی دولت را موظف کند که اطلاعات و آمارهای غیرامنیتی را از حالت محرمانگی خارج کرده و در دسترس شهروندان قرار دهد. با جریان یافتن اطلاعات در شبکه‌های ارتباطی توسعهٔ اقتصادی شتاب می‌گیرد(Engbers and Rubin ۲۰۱۸: ۵۷۴).

۳. نظارت عمومی به جای نظارت دولتی

در ساختار فعلی دولت‌ها، تکیه بر سازمان‌های رسمی بازرسی و حسابرسی است. اما بازآرایی دولت و نظام حکمرانی متناسب با توسعهٔ مردم‌محور باید به مردم و گروه‌های مردمی نقش مؤثرتری در نظارت و مبارزه با فساد داده شود. در واقع اجازه داده شود که همهٔ مردم تبدیل به بازرس و حسابرس شوند. در این صورت احتمال وقوع فساد بسیار کم می‌شود و اعتماد عمومی افزایش می‌یابد.

۴. تقویت ساختارهای مشارکتی در جامعه

در توسعهٔ مشارکتی، مردم باید متولی ادارهٔ امور مختلف شوند. بسیاری از بخش‌های اقتصادی را می‌توان به تعاونی‌های واقعی، و نه شرکت‌های خصوصیِ شبه‌تعاونی، واگذار کرد. در سایر حوزه‌ها نیز ساختارهای مناسبی ایجاد کرد تا مردم بتوانند از طریق این ساختارها در ادارهٔ امور نقش ایفا کنند. در این صورت بدون اینکه حاکمیت دولت تضعیف شود، یا هزینه‌ها و سازمان‌های اداری دولت افزایش یابد، مسئولیت و ادارهٔ بخش عمده‌ای از حوزه‌های جامعه به مردم واگذار می‌شود و دولت فقط در ارائهٔ خدمات عمومی حضور مستقیم خواهد داشت.



منابع

۱. دفتر مطالعات اقتصادی.۱۳۹۶. بررسی انطباق قانون برنامه ششم توسعه با سیاست های کلی برنامه ششم و اقتصاد مقاومتی. تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. دسترسی در تیر ۱۴۰۱. https://rc.majlis.ir/fa/report/show/۱۰۱۸۱۴۶

۲. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۱۳۹۴. سند برنامه ششم توسعه. دسترسی در تیر ۱۴۰۱. https://mpb.mporg.ir/FileSystem/File.aspx?Mode=File&ObjectType=DataItem&ObjectId=۶۰۱f-۷۳f۹-۰۱۶۷-۴۷۰۸-b۸۵۹-۵۵۸۰۲۱c۷daa۵

۳. قانون اول توسعه. قانون برنامه اول توسعه اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۸. دسترسی در تیر۱۴۰۱. https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۱۷۵۵

۴. قانون پنجم توسعه. قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) .۱۳۸۹. دسترسی در تیر۱۴۰۱. https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۷۹۰۱۹۶

۵. قانون چهارم توسعه. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۸۳. دسترسی در تیر ۱۴۰۱. https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۴۲۰۲

۶. قانون دوم توسعه. قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۳. دسترسی در تیر ۱۴۰۱. https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۲۴۸۸

۷. قانون سوم توسعه. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۹. دسترسی در تیر ۱۴۰۱. https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۳۳۰۱

۸. قانون ششم توسعه. قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶). ۱۳۹۶. دسترسی در تیر ۱۴۰۱. https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۱۰۱۴۵۴۷

۹. مصطفوی، سید محمد حسن. ۱۳۹۶. «مروری بر برنامه‌های توسعه

کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آن‌ها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی» نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی۶(۱۸): ۸۳تا۱۰۳.

۱۰. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. ۱۳۹۳. مستندات برنامه ششم توسعه. دسترسی در تیر۱۴۰۱. https://budget.farhang.gov.ir/ershad_content/media/image/۲۰۱۴/۱۰/۲۰۸۷۱۹_orig.pdf

۱۱. Engbers, Trent A., and Barry M. Rubin. ۲۰۱۸. "Theory to Practice: Policy Recommendations for Fostering Economic Development through Social Capital." Public Administration Review ۷۸(۴): ۵۶۷-۷۸.

۱۲. Han, Sehee. ۲۰۱۶. "The Association of Self-Esteem with Individual and Contextual Levels of Social Capital: Evidence from a Multilevel Analysis." Social Science Quarterly ۹۷(۵): ۱۳۱۵-۲۹.

۱۳. https://fragilestatesindex.org/wp-content/uploads/۲۰۲۲/۰۷/FSI-۲۰۲۲-Report-Final.pdf

Transparency. ۲۰۲۱. "Corruption Perceptions Index - Explore the ۲۰۲۱ ... ." International. ۲۰۲۲. Accessed July https://www.transparency.org/en/cpi/۲۰۲۱.

۱۴. MISHLER, WILLIAM, and RICHARD ROSE. ۲۰۰۱. "What Are the Origins of Political Trust?" Comparative Political Studies ۳۴(۱): ۳۰-۶۲.

۱۵. Noori, Hadi. ۲۰۲۲. "Social capital and structural disadvantages: A case of Community-Driven Development program in Afghanistan." Asian Social Work and Policy Review ۱۶(۱): ۶۸-۷۹.

۱۶. Rothstein, Bo. ۲۰۱۱. The quality of government: Corruption, social trust, and inequality in international perspective. Chicago: University of Chicago Press.

۱۷. Stanzani, Sandro. ۲۰۱۵. "Dimensions of social capital and subjective well-being: evidence from Italy." International Review of Sociology ۲۵(۱): ۱۲۹-۴۳.